1-یک دسته گل کوچک1

متن اجرا:

ائمه ی ما در دورانی زندگی می کردند که فرهنگ های خاصی برقرار بوده اعم از اینکه مورد رضایت آنان بوده یا نبوده است.اما ائمه ما از این گونه فرهنگ ها که شاید به نظر ما چندان جالب هم نباشد ، بهترین استفاده را برای تربیت افراد و دعوت به نیکی می کردند. یکی از این فرهنگ ها فرهنگ برده داری بوده است که اهل بیت غلامان و کنیزان خود را در خانه خود تربیت دینی می کردند و گاهی آنها را به عنوان مبلّغ دینی به دیار خود می فرستادند.

امام حسین (علیه السلام) در اتاقی نشسته بودند، کنیزی با یک شاخه گل وارد اتاق شد، کنیز دسته گل را از شدت علاقه و محبت برای امام حسین (علیه السلام) آورده بود ، امام (علیه السلام) شاخه گل را درد دست گرفتند و بوییدند. سپس با لبخندی زیبا رو کردند و به کنیز و فرمودند: به خاطر همین یک شاخه گل تو را آزاد کردم، میتوانی بروی.

یک نفر که داشت این صحنه را می دید به امام (علیه السلام) گفت : آقا جان او فقط یک دسته گل به شما داد همین، دسته گل او ارزشش را نداشت که آزادش کنید.

امام حسین (علیه السلام) پاسخ دادند : خدا این طور به ما یاد داده است که هر هدیه ای را با هدیه ای بهتر پاسخ بدهیم.

پس بدان ما هم مولایی داریم که کنج اتاق غربت نشسته است و منتظر شاخه گل من و تو ...

بیا ما هم برای مولایمان یک دسته گل درست کنیم، فکر می کنی چه گل هایی دوست دارد؟

دعا برای سلامتی اش، دعا برای ظهورش، درد دل کردن با او، قدمی برایش برداشتن یا ....

هر گلی را که فکر می کنی او دوست دارد آماده کن و برایش بفرست فقط و فقط برای خودش ...

بگو که چقدر دوستش داری . . .

بیا حرف دل مان را هم بگوییم ، بگوییم ما نیامده ایم که آزادمان کنید، شاخه گل آورده ایم که ما را پیش خودتان نگه دارید که بنده ی محبتتان شویم . . .

شک نکن چنان پاسخمان را می دهدکه هیچ کس انتظارش را ندارد حتی خودمان ….

متن ترجمه:

أنس نقل میکند که :

کنیز وارد اتاق شد، دسته گلی کوچک در دست داشت. دسته گل را برای امام حسین (علیه السلام) آورده بود از روی مهر دست گل را تقدیم ایشان کرد. امام نگاهی به دسته گل انداختند و با تبسم آن را بوییدند، سپس فرمودند: تو آزادی.

کسی لب به اعتراض گشود که این دست گل کوچک ارزشش را نداشت که او را آزاد کنید.

حضرت فرمودند: خدا ما را اینگونه تأدیب نموده است. خدا فرموده است:وقتی بر شما تحیت می فرستند یا بهتر پاسخ دهید یا مثل همان. و آزاد کردن او بهتر بود.

بحارالأنوار (ط - بيروت) ؛ ج‏44 ؛ ص195

عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرك سيدة النساء إلى الإمام الجواد، ج‏17-الحسين‏ ع، ص: 64

كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة)، ج‏2، ص: 31

متن عربی:

كُنْتُ عِنْدَ الْحُسَيْنِ ع فَدَخَلَتْ عَلَيْهِ جَارِيَةٌ فَحَيَّتْهُ بِطَاقَةِ رَيْحَانٍ فَقَالَ لَهَا أَنْتِ حُرَّةٌ لِوَجْهِ اللَّهِ فَقُلْتُ تَجِيئُكَ بِطَاقَةِ رَيْحَانٍ لَا خَطَرَ لَهَا فَتُعْتِقُهَا قَالَ كَذَا أَدَّبَنَا اللَّهُ قَالَ اللَّهُ- وَ إِذا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها أَوْ رُدُّوها وَ كَانَ أَحْسَنَ مِنْهَا عِتْقُهَا.

بحارالأنوار (ط - بيروت) ؛ ج‏44 ؛ ص195

عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرك سيدة النساء إلى الإمام الجواد، ج‏17-الحسين‏ ع، ص: 64

كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة)، ج‏2، ص: 31

1.محبت